

The Role of Decrees and Decisions Made By The Head Of Judiciary In Fighting Against Economic Crimes

Mehdi Najafian Razavi ¹, Abbas Sheikhoul-eslami ^{2*}, Hossein Taji ³

1 .PhD student of criminal law and criminology, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2 .Associate Professor Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

3. Assistant Professor Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:17-34

Article history:

Received: 26 Jun 2023

Edition: 30 Agu 2023

Accepted: 07 Oct 2023

Published online: 23 Mar 2024

Keywords:

The Judiciary, Economic Crimes, Differential Proceedings, The Special Prosecutors Office for Economic Crimes

Corresponding Author:

Abbas Sheikhoul-eslami

Address:

Iran, Mashhad, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0000-0003-3975-6844

Tel:

09151086152

Email:

Dr.sheikholeslami@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Given the economic developments, we have been witness to the adoption of penal policies to fight against economic crimes. To this end, the heads of Judiciary have compiled the Codes that have been on Correct and Sometimes Wrong path to fight against economic Crimes.

The aim of Present Study is to analyze the role of codes issued by heads of Judiciary to fight against economic crimes.

Material and Methods: The research method is descriptive and analytical. For data Collection, Visiting the library and using books and articles have been considered.

Ethical Considerations: Honesty and trustworthiness have been observed in all stages of writing. this essay while respecting the principle of texts originality.

Results: The findings indicate that the regulations issued have a tendency to punish, which indicates that the criminals are repressive, discriminatory and the formation of special economic courts .

Conclusion:The execution of these circulars has lead to both positive and negative consequences. This indicates that the decisions by made by heads of Judiciary are different. In recent years, The Special Prosecutors' Office for Economic Crimes have been organized which Show that The Judiciary is on the path to fight against these crimes.

Cite this article as:

Najafian Razavi M, Sheikhoul-eslami A, Taji H. *The Role of Decrees and Decisions Made By The Head Of Judiciary In Fighting Against Economic Crimes*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

نقش بخش‌نامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه در مبارزه با جرایم اقتصادی

مهدی نجفیان رضوی^۱، عباس شیخ الاسلامی^۲، حسین تاجی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به تحولات اقتصادی شاهد اتخاذ سیاست‌های کیفری در مبارزه با جرایم اقتصادی می‌باشیم. به همین منظور روسای قوه قضائیه، آئین‌نامه‌هایی را تدوین نمودند که در مسیر درست و گاهاً نادرستی برای مبارزه با جرایم اقتصادی قرار گرفته‌اند. هدف از این پژوهش تحلیل نقش آئین‌نامه‌های صادر شده از طرف روسای قوه قضائیه برای مبارزه با جرایم اقتصادی است.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است. گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب و مقالات می‌باشد. **ملاحظات اخلاقی:** در تمامی مراحل نگارش مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که آیین‌نامه‌های صادر شده تمایل به مجازات داشته‌اند که نشان‌دهنده سرکوبگر بودن مجرمین، افتراقی بودن و تشکیل محاکم ویژه اقتصادی است.

نتیجه: در راستای اجرای این بخش‌نامه‌ها نتایج مثبت و منفی ایجاد شده است که حاکی از تصمیمات متفاوت روسای قوه قضائیه می‌باشد، برای مبارزه با جرایم اقتصادی در سال‌های اخیر محاکم ویژه اقتصادی را شاهد هستیم که شاید بتوان گفت قوه قضائیه در مسیر مبارزه قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

واژگان کلیدی:

جرایم اقتصادی، دادرسی افتراقی، محاکم ویژه اقتصادی.

نویسنده مسئول:

عباس شیخ الاسلامی

آدرس پستی:

ایران، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

09151086152

کد ارکید:

0000-0003-3975-6844

پست الکترونیک:

Dr.sheikholeslami@gmail.com

۱. مقدمه

فساد اقتصادی در اکثر نظام‌ها وجود دارد و دغدغه اصلی هر کشور محسوب می‌شود. به طور معمول قانون‌گذار در مقابله با فساد اقتصادی و جرایم ناشی از آن به تدوین مقررات می‌پردازد. اما از آن جایی که قوه قضائیه به صورت مستقیم در صدد برخورد با اخلال‌گران و فساد اقتصادی است، به ارائه بخش‌نامه و آئین‌نامه‌هایی در این حوزه پرداخته است. روسای قوه قضائیه از دیرباز در مسیر جلوگیری و مبارزه با فساد اقتصادی بوده‌اند و به همین منظور آئین‌نامه‌هایی را تصویب کرده‌اند. در بررسی آئین‌نامه‌ها صادر شده، مجازات‌های سرکوب‌گرا، عدم تخفیف مجازات، عدم تعلیق مجازات، عدم مرخصی، دادرسی افتراقی، تشکیل محاکم ویژه اقتصادی مشهود می‌باشد. بعضی از این آئین‌نامه‌ها خلاف دادرسی عادلانه بوده‌اند و بعضی دیگر از این آئین‌نامه، مبارزه با مفاسد اقتصادی را به خوبی نمایان کرده‌اند. به صورت کلی باید گفت نقش آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های صادر شده از طرف روسای قوه قضائیه در مسیر چالش برانگیزی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت بحث اینگونه مشخص می‌شود که جرایم اقتصادی در کشور ایران سیر صعودی را به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه برای مبارزه با مفاسد اقتصادی و بنابر چالش‌های حاکم بر مجرمان مفاسد اقتصادی لازم است که روسای قوه قضائیه به تدوین بخش‌نامه و آیین‌نامه با توجه شرایط کنونی بپردازند، زیرا قوانین به تنهایی نمی‌توانند به مبارزه با مفاسد اقتصادی برخیزند.

در این پژوهش سوالاتی مطرح می‌شود، سوال اول اینکه بخش‌نامه‌های صادر شده توسط رئیس قوه قضائیه دارای چه جایگاهی هستند؟ سوال دیگر این

که آئین‌نامه‌های تصویب شده در مبارزه با جرایم

اقتصادی دارای تاثیر مثبت یا منفی بودند؟ با بررسی مطالب این موضوع حاصل شده است که پژوهش‌هایی تحت عناوین فساد اقتصادی صورت گرفته‌اند که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم. پژوهشی تحت عنوان «کاستی‌های سیاست کیفری تقنینی ایران در مقابل مفاسد اقتصادی» توسط خانی در سال ۱۳۹۲ نگارش شده است که نویسنده در این پایان‌نامه به بررسی نواقص قانونی، شکلی و ماهوی می‌پردازد. پژوهش دیگر تحت عنوان «تحلیل سیاست جنایی قانون‌گذار ایران در کنترل جرایم اقتصادی» توسط ثناپور در سال ۱۳۹۸ نگارش شده است که نویسنده در این پژوهش قوانین و مقررات صادر توسط مجلس شورای اسلامی را تحلیل می‌کند و نگاهی نقادانه به مجازات‌های سنگین در مقابله با جرایم اقتصادی دارد. پژوهش دیگر تحت عنوان «نقش رسانه‌ها در دادرسی جرایم اقتصادی» توسط مولوی در سال ۱۳۹۸ نگارش شده است که جنبه‌های مثبت و منفی تشهیر رسانه‌ای را مدنظر داشته است. لازم به ذکر است موضوع نقش آئین‌نامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه در مبارزه با جرایم اقتصادی دارای نوآوری است و تاکنون پژوهشی تحت این عنوان نگارش نشده است.

جنبه جدید بودن موضوع در این است که نقش آیین‌نامه‌ها مورد واکاوی قرار نگرفته است و تمام پژوهش‌های صورت گرفته در راستای مبارزه با جرایم اقتصادی بوده‌اند و اشاره‌ای نسبت به آیین‌نامه و بخش‌نامه‌های صادر شده توسط روسای قوه قضائیه نداشته‌اند.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده است، روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است و برای گردآوری

نامه این امکان را دارد با هدف تسهیل اجرای قانون و تشریح جزئیات آن وضع گردد که در این شرایط، آیین نامه اجرایی نام برده می شود. این آیین نامه ها، از دیدگاه ماهیت مکمل قانون می باشند. اما بعضی آیین نامه ها بیانگر مقرراتی هستند که اساساً در ارتباط با آنها هیچ قانونی وضع نگردیده. این آیین نامه ها را آیین نامه مستقل نامیده می شوند. (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱)

در ترمینولوژی حقوق برای بخشنامه اینچنین تعریفی مقرر شده است: «بخشنامه عبارت است از تعلیم یا تعلیمات کلی و یکنواخت و به طور کتبی که از سمت مقام اداری به روسا برای ارشاد به مدلول و شیوه تطبیق قانون یا آئین نامه داده شود و نمی بایست مخالف قانون یا آئین نامه بوده باشد. بخشنامه قابل مستند در دادگاه نیست و فی حد ذاته منشاء حق و تکلیف تازه ای نیست و در مواقع در تعارض بین قانون و آئین نامه، نمی توان آیین نامه را عملی نمود. (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۰۵)

برای شناسایی کردن دقیق بخشنامه ها، توجه به این نکات الزامی است: ۱- بخشنامه منشأ حق و تکلیف تازه ای نیست، اگر چه در مواقع فقدان مغایرت آن با مفاد قانون و آیین نامه لازم الاجرا می باشد. ۲- بخش نامه قابل مستند در دادگاه نمی باشد؛ استناد احکام قضایی قرار نگرفته و صاحبان دعوی نیز قادر نیستند به آن مستند نمایند. ۳- بخش نامه صرفاً در محدوده اداره دارای اثر و برای روسا ضروری می باشد ولی برای غیر آنان تکلیفی بوجود نمی آورد. ۴- بخشنامه مغایر با قانون یا آیین نامه معتبر نیست. (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۷۹: ۳۳۵)

برخلاف بخشنامه، آیین نامه قادر است حق و تکلیف تازه ای را بوجود بیاورد و به همین علت شاید مستند رأی دادگاه قرار بگیرد و صاحبان دعوا نیز می توانند به آن مستند کنند. لذا بیان می دارند که

اطلاعات از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته ها

مجازات های سرکوب گرا، عدم تخفیف و تعلیق مجازات، دادرسی افتراقی، تشکیل محاکم ویژه اقتصادی موضوعات حاصل از آئین نامه ها و تصمیمات روسای قوه قضائیه در حدود سی سال عملکرد قوه قضائیه است. در نقطه مثبت این بخش نامه تشکیل محاکم ویژه اقتصادی است زیرا این محاکم روند دادرسی را تسریع می بخشند و از قضات کاردان بهره گرفته می شود اما این تصمیمات در نقطه دیگر نیز با شدت همراه بودند و می تواند نتایج منفی در مبارزه با جرایم اقتصادی داشته باشد. لذا این تصمیمات در مبارزه با جرایم اقتصادی نتایج مثبت و منفی داشتند که روسای قوه قضائیه در مدت زمان تصدی خود به جای گذاشتند.

۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۵-۱. مفهوم آیین نامه و بخشنامه در نظام

حقوقی ایران

در مفهوم آیین نامه که گاهاً در عرف اداری به «نظامنامه» نیز تعبیر می شود، چنین بیان شده: «مقرراتی که مقامات صلاحیت دار مثال: وزیر یا شهردار و غیره وضع کرده اند و به اجرا درآورده اند، حال اهداف آن تسهیل اجرا و تشریح قانونی از قوانین موضوعه بوده باشد، خواه در مواقعی باشد که اساساً قانونی وضع نکرده ...» (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۷۹: ۳۳۶) با توجه به این مفهوم، آیین

بصورت همزمان از قابلیت نظارت پذیری به عنوان روی دیگری از سکه نیز دارا باشند؛ زیرا بدون نظارت قضایی برقراری حاکمیت قانون امری سخت و مشکل می‌باشد. قاضی در نظارت قضایی در پی اعلام دیدگاه نسبت به یک مصوبه و اعلام مغایرت یا فقدان مغایرت آن با قوانین و مقررات معیار است. (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۸)

بخشنامه دستورالعملی است که وزیران خطاب به همکاران قلمرو مأموریت خود، و در مقام تفسیر و بیان شیوه اجرای قوانین و مقررات یا به منظور حسن اجراء و تنظیم امور داخلی دستگاهها صادر می‌نمایند. به عبارت دیگر، بخشنامه عبارت است از تعلیم یا تعلیمات کلی و یکنواخت و به صورت کتبی که از طرف مقام اداری به مرئوسین برای ارشاد به مدلول و طرز تطبیق قانون یا آئین‌نامه داده شود و نباید مخالف قانون یا آئین‌نامه باشد. بخشنامه قابل استناد در دادگاه نیست و فی حد ذات منشأ حق و تکلیف جدیدی نمی‌باشد و در صورت تعارض با قانون یا آئین‌نامه نباید به آن عمل کرد.

بخش‌نامه نمی‌تواند ایجاد کننده حق و تکلیف جدیدی باشد و به همین دلیل مستند رأی دادگاه قرار نمی‌گیرد و اصحاب دعوا نیز نمی‌توانند به آن استناد کنند. از این رو گفته می‌شود که بخشنامه‌ها همیشه جنبه اعلامی داشته و همیشه شارح است، نه مؤسس؛ و بخشنامه جایگاهی در سلسله مراتب قانون در معنای عام آن، ندارد و از منابع حقوق به‌شمار نمی‌رود و این که گاه در طبقه‌بندی قوانین، بخش‌نامه را هم ذکر می‌کنند، نباید موجب این توهم شود که بخش‌نامه نیز قانون است.

جایگزین شدن بخشنامه‌ها به جای قانون به اصل به تفکیک قوا در قانون اساسی خدشه وارد نماید و نمی‌توان در قالب بخشنامه قانون وضع نمود.

بخشنامه‌ها جنبه اعلامی داشته و همیشه شارح می‌باشند، نه تاسیس‌کننده. حال اگر وزیری با صدور یک بخشنامه حق یا تکلیف تازه ای بوجود آورد، این بخشنامه در حقیقت آیین‌نامه می‌باشد که به غلط نام بخشنامه بر آن نهاده‌اند. (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۲۹/۲۸)

۵-۲. جایگاه حقوقی آیین‌نامه و بخشنامه

«زمانی که در منابع حقوق از قانون صحبت می‌شود و این منبع در مقابل عرف به کار رفته می‌شود، نیت همه مقرراتی می‌باشد که از سوی یکی از سازمان‌های صالح دولت وضع گردیده، خواه این سازمان قوه مقننه یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد. بنابراین، در این مفهوم عام، قانون شامل همه مصوبات مجلس و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اداری نیز می‌گردد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۲۰)

قوانین عادی می‌بایست اصول اساسی حکومت را محترم بشمارد و احکام و نظامنامه‌های دولتی نیز هیچ وقت این حق را ندارند مخالف قوانین عمل کنند. از آنچه بیان شد چنین برداشت می‌شود که قانون از نظر اعتبار و تشریفات صدور با مقررات اداری تفاوت زیادی را نشان می‌دهد. (طباطبایی موتمنی، ۱۴۰۱: ۴۲۳)

نظارت‌ناپذیری تصمیمات رئیس قوه قضائیه یعنی هر مقامی در سمت اجرا وظایف و مسئولیت‌های سازمانی خود می‌تواند در حدود صلاحیت‌های واگذار شده بر مبنای قانون، مبادرت به صدور آیین‌نامه، بخش‌نامه و یا به طور کلی مصوبات نماید؛ لذا، این تصمیمات همیشه بایستی در چارچوب و با رعایت شرع و قانون اساسی انجام بگیرد، که رئیس قوه قضائیه نیز از این اصل کلی به دور نیست. در کنار اصل حاکمیت قانون، همه نهادهای دارای امتیازات قدرت عمومی می‌بایستی

مجرمانه است. در شرایط کنونی با توجه به شغلها، حکومتها بر آن شدند که نظام اقتصادی را در مسیر ثبات قرار دهند، در نتیجه یک اخلال کوچک در چرخه اقتصادی باعث رکود کشور و بدبینی نسبت به سیستم اقتصادی می شود. یکی از نهادهایی که در موضوع چرخه اقتصادی تاثیرگذار بوده است، قوه قضائیه بوده است. در راس قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه در تحقق اهداف مبارزه با جرایم اقتصادی قرار داشته است. با توجه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی رئیس قوه قضائیه به احکام صادره از مراجع حل اختلاف می پردازد و در جهت احیای حقوق جامعه گام برمی دارد. نقش نظارتی و تعقیب مجرمین نیز از دیگر موارد مندرج در وظایف قوه قضائیه است. البته پیشگیری و مبارزه با جرایم در حدود آئین نامه ها و بخش نامه ها نیز نقش قوه قضائیه را بیش از پیش نمایان می سازد. با توجه به مطالب بیان شده، مشخص شد که قوه قضائیه و رئیس این قوه با صدور مقررات به مبارزه با جرایم می پردازد. یکی از این جرایم، جرایم اقتصادی است که در سالهای اخیر مورد توجه رئیس قوه قضائیه قرار گرفته است. فساد اقتصادی در سالهای اخیر به عنوان یک معضل اساسی گریبان کشور را گرفته است. در سال ۱۳۸۰ رهبر دستور مبارزه با فساد اقتصادی را به سران سه قوه اعلام نمود.

جرایم اقتصادی مانند یک جنگ اقتصادی است که ریشه کشور را نشانه گرفته است تا جایی که رئیس قوه قضائیه با اشاره به جنگ اقتصادی ناشی از تحریم ها، دستورالعمل تشکیل دادگاههای ویژه اقتصادی را از رهبر خواستار شد.

در همین راستا آئین نامه ها و بخش نامه ها رئیس قوه قضائیه در مبارزه جرایم اقتصادی در مسیر سیاستهای سرکوبگر قرار گرفته است و نقش سختگیرانه این تصمیمات را در مبارزه با جرایم

از قانون به عنوان مهم ترین منبع حقوق نام برده می شود. قانون در معنای خاص به قواعدی گفته می شود که با رعایت تشریفات ویژه آن از سوی قوه مقننه (اصل ۵۸ قانون اساسی) یا از راه همه پرسی و به طور مستقیم (اصل ۵۹ قانون اساسی) به تصویب می رسد. اما در معنای عام آن، به تمام مقررات قاعده ساز که از سوی مقامات و سازمان های صالح حکومتی وضع می شود اطلاق می گردد. قانون در این معنا شامل تصویب نامه و آیین نامه نیز می شود. به این ترتیب، قانون در معنای عام آن، با توجه به سلسله مراتب و درجه اعتبار و قوت، به صورت زیر طبقه بندی می شود:

۱- قانون اساسی؛

۲- قانون عادی (قانون به معنای خاص)؛

۳- تصویب نامه ها و آیین نامه ها.

از این طبقه بندی معلوم می شود که قانون عادی نمی تواند ناقض قانون اساسی باشد؛ همان طور که تصویب نامه ها و آیین نامه ها نیز نباید مغایر قانون عادی باشند.

پس آیا بخش نامه ها نیز منبع حقوق هستند؟

با توجه به تقسیم بندی بالا بخش نامه جایگاهی در این سلسله مراتب ندارد و از منابع حقوق به شمار نمی رود و این که گاه در طبقه بندی قوانین، بخش نامه را هم ذکر می کنند، نباید موجب این توهم شود که بخش نامه نیز قانون است، بلکه ذکر عنوان بخش نامه در ردیف منابع حقوق با این هدف صورت می گیرد که جای مناسب دیگری برای طرح این بحث به نظر نمی رسد. (سایت دادگستری استان قم، ۱۳۹۴/۵/۲۵).

۳-۵. رویکرد مجازات مجرمان اقتصادی

یکی از راه حل هایی که دولتها در مقابله با رفتار مجرمانه دارند وضع سیاست های مقابله با رفتار

بالایی در جامعه دارند و با انتشار حکم محکومیت می‌توان به جلوگیری مبارزه با جرایم اقتصادی پرداخت که قوه قضائیه در سالهای اخیر این موضوع را در آئین نامه های خود اجرا کرده است.

جلوه های دیگر نقش پذیری از عوام‌گرایی کیفری را نیز می‌شود در ۱- فقدان امکان اعتراض به قرار بازداشت موقت، اصل شدن این قرار برای محکومین و متهمین جرم‌های اقتصادی ۲- محدود بودن دستیابی به وکیل ۳- منتشر کردن جریان دادگاه ۴- و در انتها ممنوعیت تعلیق و تخفیف و مرخصی به محکومان و متهمان جرائم و مفساد اقتصادی استفاده از استجازه ی از رهبری تماشای کرد. این بحث نتیجه ای جز زوال و پایمال کردن حقوق شکلی و ماهوی بزهکاران و متهمین به دنبال نداشته است. (هدایت‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۵)

یکی از سیاست‌های فراوانی از نظام‌های مانند نظام جمهوری اسلامی ایران، نشر دادن و توزیع حکم محکومیت قطعی محکومین بعضی از جرائم بوده است. اصل نخست رعایت کرامت انسانی محکومین و ممنوعیت نشردادن حکم محکومیت قطعی محکومین هست با توجه به اصل فوق‌الاشاره با اصل دیگری همچون اصل رعایت حریم خصوصی اشخاص نیز روبرو هستیم که به صورت ذیل از دیدگاه دکترین و قانون‌های داخلی و بین‌المللی مورد اشاره قرار می‌گیرد. دکترین ما حریم ویژه را (از نظر عرفی و قانونی هرگونه ورود، نظارت، کنترل، کسب اطلاع درباره‌ی آن فقط با اجازه‌ی شخص صاحب حق یا قانون‌گذار امکان پذیر می‌داند به مفهوم رسانده است. (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۷۷)

وقتی جرائمی سنگین همچون بعضی جرائم اقتصادی، که از مرتکب شدن آن عموم اشخاص جامعه خود را بزه‌دیده می‌نگارند ارتکاب می‌یابد. یک

اقتصادی شاهد هستیم. نقش آیین‌نامه‌ها را می‌توان اینگونه احصاء نمود: آیین‌نامه‌ها رویکرد مجازات‌گرا دارند، یعنی تشدید مجازات را در دستور کار قرار می‌دهند؛ آیین نامه حاوی مراجع اقتصادی به رسیدگی به جرایم اقتصادی بوده است، همچنین بخش‌نامه‌های رئیس قوه قضائیه نشان‌دهنده دادرسی افتراقی است.

روسای قوه قضائیه در مبارزه با جرایم اقتصادی، سیاست سرکوب مجرمان را برای پیشگیری از وقوع جرم اقتصادی در نظر گرفته‌اند. مجازات دارای دو هدف اصلی است: «هدف اول اینکه مجرم در صدد جبران جرم صورت گرفته است زیرا قانون‌گذار جبران خسارت را در پرتو بازگرداندن به شرایط اولیه قبل از جنایات یا بزه در نظر گرفته است.» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۱) «از نظر تئوری پردازان فلسفه مجازات یعنی مجرم ابتداءً مقصر شناخته شود و فرد در حالتی قرار گیرد که در صدد جبران قرار گیرد.» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۹) هدف دوم اینکه روسای قوه قضائیه در صدد ایجاد ترس برای افراد مستعد ارتکاب جرم بوده‌اند یعنی فردی که می‌تواند یک مجرم اقتصادی باشد با توجه به رویکرد روسای قوه قضائیه در مسیر پیشگیری عمومی قرار گیرد. رویکرد مجازات از طرف روسای قوه قضائیه در آئین نامه ها و بخش‌نامه‌ها رویکرد عدم تعلق عفو از مجازات، تعلیق مجازات، تخفیف برای کاستن از اثر مجازات، عدم تعلق مرخصی به مجرمین اقتصادی می‌باشد.

در سالهای اخیر تشهیر مجرمین اقتصادی را شاهد بودیم که این موضوع می‌تواند تحت رویکرد مجازات‌گرا باشد و قوه قضائیه با انتشار اسامی محکومین اقتصادی به هدف بازدارندگی در این حیطه پرداخته است. افراد مجرم اقتصادی اصولاً افرادی شناخته شده می‌باشند که حیثیت اجتماعی

همچون سلطان دلار و سلطان سکه و سلطان مرغ و ... مشهود است، هرچند این دست از اعدامها باعث فروکش شدن خشم عمومی مردم و ترمیم جراحی که به وجدان عمومی وارد گردید است می‌شود، اما آیا قیمت دلار و سکه و مرغ و ... کم شده؟ نه. حال باید بپرسیم چه فایده‌مندی بر این اعدامها بار بوده است؟

در جواب باید گفت، ناپیوستگی اجازة داد تا اجرای عدالت دستمایه و تحت‌الشعاع جو عمومی حاکم در بدنه‌ی اجتماع بشود، این موضوع دستگاه قضائی را در شائبه‌ی سمت‌گیری و دادرسی بدور از انصاف قرار داده است و خطری است که جامعه‌ی حقوقی ما رسالت گوشزد کردن آن را دارا هست، اهمیت این موضوع در جایی خود را نشان می‌دهد که ما با بحث دم یا خون مسلمین که نتیجه‌ی ابعادی چون احتیاط در دم به مفهوم این که؛ هرگونه حکم یا ارتکاب عمل که به مرگ یک انسان انجامیده است، باید با استناد به علت قطعی یا اماره باشد و در موارد دیگر باید با احتیاط و به دور از هرگونه شبهه می‌باشد که نشانه محدود بودن حکم به مجازات مرگ در دین اسلام می‌باشد. (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و قاعده‌ی درء حد به مفهوم سقوط مجازات حدی در مواقع بروز و حدوث کوچکترین شبهه روبرو هستیم، این در حالی می‌باشد که مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مجرمین اقتصادی از باب مجازات حدی به افساد فی‌الارض اخلال در نظام به روش اقتصادی کشور به صورت وسیع به مجازات اعدام محکوم می‌شوند.

۵-۵. آئین نامه ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه در بازه زمانی ۳۰ سال گذشته

نخستین مقررهای که از بازه‌ی زمانی ۱۳۷۸ در مورد منتشر کردن جریان دادگاه موجود است آئین‌نامه‌ی نظام جامع، اطلاع‌رسانی است، این آئین‌نامه هر

مطالبه‌گری عمومی مبنی ارتکاب مجازات و حذف و طرد مجرمین یا متهمین تاجایی که بنابر تصریح بعضی از علمای حقوق می‌شود از سیاست انتشار حکم محکومیت قطعی از یک سرزنش عمومی نام برد، ایجاد می‌شود (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

۵-۴. رویکرد تشهیر در بخش نامه‌ها و آئین‌نامه‌های صادره توسط رئیس قوه قضائیه

یکی از سیاست‌ها و روش‌هایی که در نظام دادرسی اسلامی نیز دارای سابقه است، سیاست تشهیر بوده که در شش جرم فقهی مثال، قوادی، شاهد زور (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۲۵۲)، حیف و میل اموال عمومی، قذف (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۴۳۰)، محتال و مفلس (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۲۱) و در آخر محاربه معمول می‌باشد.

نکته‌ی مهمی که ضروری می‌باشد قبل از ورود به مقررات به آن اشاره کنیم عبارت است از اینکه، همه ارکان و قوای حکومتی به دنبال کسب مقبولیت اجتماعی می‌باشند، یعنی همه سعی خود را برای اینکه نشان دهنده این باشند سازمان موافق و مطابق با رای و نظر اکثر مردم است، این در صورتی است که بیشتر مردم از مبانی و اصول حاکم بر حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار و کرامت انسانی و ... غیر اطلاع دارند. بنابراین خواسته آنها همیشه مبتنی بر اعمال اشد مجازات‌ها مثل اعدام و تبعید و شلاق و رسانه‌ای کردن این دست از مجرمین است. درحالی که شخص مجرم صرفاً باید در نتیجه‌ی جرمی که انجام داده و در چارچوب جوابی که قانون برای آن بیان نموده مورد جواب‌دهی (چه کیفر چه اصلاح و تربیت) قرار بگیرد. این موضوعی می‌باشد که عموم مردم از آن بدون اطلاع هستند، وقتی به ماحصل این روش در جامعه نگاه می‌کنیم می‌بینیم نمونه‌های زیادی بویژه در همین چندسال گذشته از محاکمه و اعدام زیادی از افراد

نوع افشا و منتشر کردن اخبار در جلسات غیر علنی و همچنین مذاکرات و اقدامات تحقیقی جلسات علنی پیش از صدور حکم را به صراحت ممنوع کرده است.

این مقرر بازتابی از روش ممنوعیت انتشار جریان دادرسی به طور کلی می‌باشد زیرا همانگونه بیان شد حقوق و حیثیت اجتماعی متهم، حفظ شأن دادگاه و حسن جریان دادرسی اقتضا می‌کند تا پیش از صدور حکم محکومیت قطعی اخباری از مرتکب شدن جرم انتشار نشود تا حیثیت شخص متهم از بین نرود و راه برای بازاجتماعی شدن متهمین باز بماند.

این سیاست در مورد جرائم اساسی ذکر شده در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز جاری می‌باشد به این روش که در این قانون در مورد جرائم اساسی همچون ۱- جرائم برضد امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری ۳- توطئه بر ضد جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور تخریب مؤسسات به منظور روبرویی با نظام ۴- جاسوسی بر ضد اجانب ۵- همه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر و افساد اقتصادی، نشر هرگونه اطلاعات و اخبار باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط به محرمانه بودن مطالب انجام می‌پذیرفت، این سیاست به این شیوه بوده که حتی در مواقعی که جرم انقدر مهم بوده باشد که بازتاب داخلی یا بین‌المللی داشته باشد باز باید نشر موضوع با رعایت محرمانگی پرونده و فقدان افشای اطلاعات فردی و اجتماعی فرد محکوم یا متهم صورت بپذیرد فلذا این عملکرد، رویکردی مقبول و متناسب می‌باشد این مصداق عملکردی می‌باشد که متاثر از عوام‌گرایی کیفری نمی‌باشد.

فلذا موافق با اصول حقوقی دادگاه‌ها به جرائم مهم رسیدگی می‌شود و بدون جانب‌داری و احساسی شدن حکم قطعی را صادر می‌کنند علاوه بر اینکه شخص بعد از طی دوران محکومیت خود با حیثیتی بی‌خدشه وارد بستر اجتماع برای ادامه‌ی زندگی اجتماعی می‌باشد.

سیاست محدود کردن دسترسی رسانه‌ها برای تهیه‌ی گزارش تصویری از جلسه‌ی دادرسی در وقت ریاست مرحوم شاهرودی همچنان بیان داشته، در حالی که در آن زمان نیز مشاهده‌گر بوجود آمدن فساد به عنوان یک معضل اساسی اجتماع بوده‌ایم. به روشی که مقام معظم رهبری در فرمانی هشت ماده‌ای سه قوه را به خشکانیدن ریشه‌ی فساد مکلف کرده است اما با این اوصاف رئیس قوه قضائیه زمان، بدون نقش از پوپولیسیم کیفری برای دسترسی رسانه‌ها جهت تهیه‌ی گزارش تصویری که ضمانت کننده افشای مشخصات متهمین می‌باشد را طی بخش نامه‌ی الزام کسب مجوز کتبی جهت تهیه گزارش تصویری و ... در مورد موضوعات مطرح در قوه قضائیه محدود نموده است.

روش رعایت مشخصات اطلاعات شخصی یا سیاست افراد در دستورالعمل ماده ۱۵ اصلاحی آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، به این طریق که نگهداری سوابق بعضی از جرائم اساسی اقتصادی همچون اختلال در نظام اقتصادی کشور و افساد فی‌الارض در کتابخانه‌ی ملی ضروری است. اما وقتی که به قوانین دیگر مراجعه کنیم دیده می‌شود که یکی از مواردی که موسسات عمومی نباید اطلاعات آن را نشر دهند اطلاعات شخصی و حریم خصوصی شامل مواردی همچون، اسم و فامیلی،

جلوه‌ی دیگر تغییر سیاست را می‌شود در بند سوم استجازه از رهبری نظاره‌گر بود که در آن بنابر تشخیص دادن مقامات قضائی رسیدگی کننده امکان منتشر کردن جریان رسیدگی مربوط به جرائم اقتصادی بیان شده، خود بیانگر نقش‌پذیری از عوام‌گرایی کیفری و پایمال شدن حقوق دادرسی اشخاص است.

علاوه بر اینکه در دستورالعملی دیگر به صراحت اطلاع‌رسانی برای اقناع افکار عمومی بیان شده، و برای مدیریت افکار عمومی ضبط و فیلم‌برداری پرونده‌های اساسی را امکان‌پذیر کرده تا جایی که امکان دعوت از مابقی رسانه‌ها را نیز مجاز دانسته که نشان از تمایل عملکرد روسای قوه قضائیه به اطلاع‌رسانی عمومی هرچه بهتر از جریان دادرسی است، چون که هرچه میزان اطلاع‌رسانی بیشتر باشد مقبولیت اجتماعی قوه قضائیه نیز به تبع آن بیشتر می‌شود. چیزی که اهمیت دارد این است که که قانون آئین دادرسی کیفری در تبصره ی ۲ ماده ۳۵۳ الزام منتشر کردن جریان رسیدگی را در هنگام خدشه‌دار شدن وجدان همگی و حفظ نظم عمومی بیان نموده، این اصل مهم می‌بایست با درخواست دادستان کل کشور به رئیس قوه قضائیه انجام شود. این در شرایطی می‌باشد که ماده‌ی ۲۴ دستورالعمل تشکیل مجتمع‌های خصوصی رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران هر نوعی از اطلاع‌رسانی خبری درباره جریان رسیدگی را مشروط به تایید سخنگوی قوه قضائیه برخلاف تصریح قانون آئین دادرسی کیفری برشمرده است. جدای از دعوت از سایر مراکز خبری و پوشش رسانه‌ای جریان دادرسی نیز برگردن مرکز رسانه قوه قضائیه است، این سازوکار اعطای حق برخلاف قانون آئین دادرسی کیفری است، این عملکرد تا جایی پیش رفته است که رئیس قوه قضائیه زمان

آدرس‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی، عادت‌های شخصی، ناراحتی‌های جسمی، شماره حساب بانکی و رمز عبور می‌باشد. فلذا درباره جرائم اقتصادی نیز موسسات عمومی موافق با بند دوم قانون انتشار و در دسترسی آزاد به اطلاعات، نباید اطلاعاتی که مشمول مشخصات حریم خصوصی محکومین است را نشر دهند. بنابراین حریم خصوصی مجرمین اقتصادی در این دوره مورد حمایت قانون گذار وقت می‌باشد که دوباره حاکی از سیاست فقدان منتشرکردن حکم محکومیت قطعی و رعایت حریم خصوصی اشخاص است، تا جایی که در ماده ۲۲ علاوه بر همین قانون جبران ضرر و زیان‌های وارده به پرداخت جزای نقدی از سیصد هزار (۳۰۰،۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال با توجه به اندازه نقش، دفعات مرتکب شدن جرم و وضعیت او محکوم گردید.

اما این سیاست بعد از دیدن اختلاس‌ها و کلاهبرداری‌های چندین هزار میلیاردی که قبلاً از طرف افراد دولتی اتفاق می‌افتد، نگاه و نگرش همگانی به دستگاه قضا را تغییر داد تا جایی که دستگاه قضائی برای اینکه نشان دهنده این باشد که در حال مبارزه با جرائم اقتصادی است مجبور به تغییر سیاست کیفری خود و انتشار حکم محکومیت قطعی و جریان دادرسی مجرمین و متهمین اقتصادی گردید.

بعضی از جلوه‌های این تغییر سیاست را می‌شود در آئین‌نامه‌های تازه التصویب توسط روسای قوه قضائیه مشاهده نمود، یکی از آئین‌نامه‌ها اجرائی قانون سازمان بازرسی کل کشور است که در ماده ۵۶ این آئین نامه صراحتاً سخن از اطلاع‌رسانی عمومی برای اقناع افکار عمومی نموده است.

با فساد، دفاع از آزادی‌های مشروع از آن و اساسی‌تر پیشگیری از وقوع جرم ذیل تحقق را اهداف قوه قضائیه به عنوان پذیرش روش نظارت همگانی میسر کرده است. (صبحی، ۱۳۹۷: ۶۸)

جرائمی که به طور مستقیم بر ضد منافع دولت یا حکومت باشد را می‌شود در مواردی همچون؛ اختلاس، مداخله نمایندگان و وزرا در معاملات دولتی، تبانی در معامله‌های دولتی، اخذ کردن پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت و تصرف غیر قانونی در اموال دولتی یا تضییع شمرده، مابقی جرائم اوال بذات دولت را مورد ضرر قرار نمی‌دهد لذا از آثار آن آسیب دولت می‌باشد که می‌توان به جرائمی چون رشا و ارتشا اشاره داشت فلذا جرائم اقتصادی جز نقض حقوق عامه است زیرا این حقوق خاص و مختص به یک شخص نیست بلکه جز حقوق دولتی است که منتخب و از آن مردم است، علاوه بر اینکه حفاظت از اموال عمومی موضوعی می‌باشد که در مقدمه‌ی این دستورالعمل مورد اشاره قرار گرفته است و طبق این استدلال، دریافت گزارش‌های حاوی جرائم اقتصادی به جهت نقایض برای دادستان حقوق عامه، تکلیف تعقیب بوجود می‌آید. مقرره‌ی بعدی آئین‌نامه‌ی اجرائی قانون تشکیل سازمان بازرسی است که در ماده‌ی ۵۵ این آئین- نامه دریافت گزارش‌های مردمی را امکان‌پذیر می‌کند، این موضوع دلالت بر پذیرش عملکرد نظارت همگانی رئیس قوه قضائیه آن زمان دارد، هرچند که آئین‌نامه در راستای اجرای قانون مصوب است و آئین‌نامه نیز قهراً به نیت احترام به رای و دیدگاه منتخبان ملت موافق با قانون می‌باشد. مهم‌ترین نقدی که به سیاست اتخاذ شده از سوی روسای قوه قضائیه وارد می‌باشد این است که چرا به صورت خاص و ویژه بستر را برای اعلام و کشف جرائم

فراهم کردن مقدمات حضور رسانه‌ها در جریان دادرسی را مکلف کرده که خود نشان‌دهنده سیاست انتشار جریان دادرسی است. نکته‌ی قابل توجه این موضوع است که آئین‌نامه به بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات اشاره کرده، این قانون انتشار جریان دادگاه‌های غیرعلنی را غیرمجاز برشمرده، پاسخی که بوجود می‌آید این است که آیا می‌شود مذاکرات علنی این محاکم را نشر داد؟ باید جواب داد که این قانون بدون معنای مخالف است چون که عملکرد کلی حاکم در این دوران، رویکرد فقدان نشر دادن جریان دادرسی می‌باشد اگرچه امروزه ما شاهد توسعه‌ی روش نشر دادن جریان دادرسی و حکم محکومیت قطعی متهمین و محکومین اقتصادی براساس قانون و مقررات صادره از طرف روسای قوه قضائیه هستیم.

۵-۶. نوآوری‌های روسای قوه قضائیه در مبارزه با جرایم اقتصادی

عموماً قانون‌گذاران بستر را برای اطلاع‌یابی و نظارت کلی به منشور کشف تمامی جرائم باز گذاشته است، تا جایی که دریافت گزارش‌های بی‌اطلاعات و هویت گزارش‌دهندگان نیز مورد پذیرش بوده است، امکان‌پذیر است. اما روسای قوه قضائیه در زمینه‌ی توسل به روش نظارت همگانی در طول سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸ نسبتاً به اندازه کمی، اشاره به این روش دارند به طوری که در آخر ریاست آقای لاریجانی طی دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق همگانی تشکیل یک سامانه برای تهیه گزارش‌های مردمی را در نقض حقوق عامه مکلف کرد و لذا در مصوبه‌ای اخیراً تحت عنوان طریقه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه زمان بستر فعالیت مردم و نهادهای مردم نهاد را برای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری و روبرویی

اقتصادی را به طور عینی با ذکر عنصر مادی و معنوی جرم بیان نماید. ولی فلسفه‌ی فقدان تعریف جرم اقتصادی از طرف مرحوم آیت الله شاهرودی، به قوانین وقت بخصوص قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی که یکسری از رفتار های مشخصی را ذیل اخلاص در نظام اقتصادی ذکر می-کرد نیز باز می‌گردد. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵)

ضوابطی از جرم اقتصادی در مقررات مورد ارزیابی صادره شده از طرف مرحوم آیت الله شاهرودی نمی‌بینیم اما در زمان ریاست بعدی قوه قضائیه یعنی آیت الله لاریجانی این رویه تا حدودی تغییر کرد، هرچند باز هم در مقررات زیادی چون اصلاحیه فصل سوم از بخش سوم آئین‌نامه اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور و ضوابط عفو به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب در کنار ذکر عنوان مجرمانه‌ی اخلاص در نظام اقتصادی، از جرائمی دیگر چون ارتشا و پولشویی استفاده می‌شد اما در یک مقرره برخی عناوین مجرمانه تحت عنوان جرائم اقتصادی برای اولین بار ذکر گردید.

رئیس قوه قضائیه سابق در بخشنامه شماره ۱۳۹۱-۱۱-۰۷-۰۰-۰۴۲۵۷۸۱۰۰ به روسای کل دادگستری استانها، بی آنکه ضابطه‌ای واسه تشخیص جرائم اقتصادی نام ببرد یک سری از جرائم از جمله ۱- رشوه، ۲- کلاهبرداری ۳- خیانت در امانت، ۴- اهمال منجر به تضییع اموال دولتی و بیت‌المال، ۵- تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال دولتی، ۶- اعمال نفوذ بر ضد حق و قانون، ۷- پولشویی، ۸- جرایم مرتبط با بورس، ۹- اخلاص در نظام اقتصادی، ۱۰- قاچاق کالا، ۱۱- تحصیل مال نامشروع و ۱۲- تبانی در معاملات دولتی را بیان کرده است. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۶)

اقتصادی باز نگذاشته‌اید؟ مگر نه اینکه یکی از کم هزینه‌ترین و در عین حال فایده‌مندترین روشها برای روبرویی با جرائم اقتصادی نظارت همگانی است.

در زمان ریاست مرحوم شاهرودی تعریف یا ضابطه یا حتی لیستی از جرائم اقتصادی مثال آنچه در دوره روسای بعدی است مشاهده نمی‌شود، اما عنوانی که در بعضی از مقررات برای جرائم اقتصادی عموماً بیان شده عبارت از لفظ اخلاص در نظام اقتصادی در بخش‌نامه‌ی اعطای مرخصی به زندانیان با توجه به نقش آن در ابرسازگاری اجتماعی، لفظ محکومان مفسد اقتصادی در بخشنامه‌ی جلوگیری از اعطای مرخصی به محکومان جرائم مواد مخدر و در انتها از لفظ مفسد مالی و اقتصادی در بخش‌نامه‌ی ارسال گزارش پرونده های مربوط به مفسد مالی و اقتصادی به مجتمع قضای ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی ذیل جرائم دارای ارتباط با جرائم اقتصادی آمده شده است. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵)

دلیل استفاده از عناوین همگانی مثل مفسد اقتصادی یا اخلاص در نظام اقتصادی را می‌شود در دو موضوع نام برد؛ اولین باز می‌گردد به همان موضوعی که درباره پویایی جرم اقتصادی بیان گردید و دومین دلیل باز می‌گردد به این موضوع که موافق با مبانی فقهی و قانون مجازات اسلامی اگر جرم اقتصادی دارای آثار زیانبار و دارای وسعتی باشد از باب حد افساد فی الارض مجرم محکوم به اعدام می‌شود و در صورتی که مادون حد باشد به حبس‌های تعزیری محکوم می‌شود. این رویه اکنون نیز در نظام حقوقی ما قانون مجازات ۲۸۶ در ماده حاکم قرار دارد، لازم به بیان است این رویه برخلاف اصول حقوقی مانند قانونی بودن جرم و مجازات است چون که قانون تکلیف دارد که مصادیق افساد

مجازات اسلامی نسبت به عرضه‌ی فهرستی از جرائمی که ماهیتاً اقتصادی هستند اقدام گردیده و مقررات صادر شده از سوی روسای قوه قضائیه دال بر اقتصادی بودن این دسته از جرائم است. البته این فهرست منحصر به تعداد مشخصی از جرائم نبوده و بعضی دیگر از جرائم نظیر فساد فی-الارض به صورت ایجاد اختلال گسترده در نظام اقتصادی یا تبصره ذیل ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و موضوع قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، موضوع قانون منع دریافت پورسانت در معاملات خارجی به مثابه‌ی فساد مالی یا سوءاستفاده از قدرت تفویض شده در راستای منافع فردی قلمداد می‌شود، این در حالی می‌باشد که جرائم مذکور در فهرست شیوه‌نامه تحت عنوان جرم اقتصادی نیامده است بلکه تحت عنوان مفاسد اقتصادی قید گردیده چرا که برخی اوقات مفاسد مالی با جرائم اقتصادی دارای همپوشانی و نقاط مشترک هستند.

اینک بعد از تصریح مفهوم و گستره‌ی تعریف جرم اقتصادی زمان مورد بررسی قرار دادن جلوه‌های دادرسی افتراقی جرائم اقتصادی بطور اجمالی می‌رسد.

۱- نشر احکام صادره مربوط به مجرمین اقتصادی: همانطور که در قسمت قبل عنوان شد، در ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی درمورد بعضی از جرائمی که از حیث ماهیت به جرائم اقتصادی قرابت دارند، الزام و تأکید نسبت به نشر احکام قطعی این دسته از جرائم کرده، این در حالی می‌باشد که چنین شیوه‌ای فقط منجر به پردشدگی فرد مجرم شده و از بازاجتماعی گردیدن وی ممانعت به عمل می‌آورد.

۲- شیوه‌ی نظارت عمومی: این شیوه به مفهوم دخالت و مشارکت تمامی افراد اجتماع در فرآیند

همانگونه که تا بحال شرح آن گذشت برای اولین مرتبه رئیس سابق قوه قضائیه فهرست جامع و کاملی در خصوص جرائم اقتصادی ارائه نمود، در دوران ریاست ایت الله رئیسی دوباره صرفنظر از ارائه‌ی تعریفی در باب جرم اقتصادی، مجدداً فهرستی از جرائم اقتصادی شامل ۱- رشاء و ارتشاء ۲- پولشویی ۳- اختلاس ۴- دخالت وزیران، نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری ۵- اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانون در صورت بدست آمدن مال بوسیله‌ی مجرم یا فرد دیگری ۶- گرفتن پورسانت در معاملات خارجی ۷- تبانی در معاملات دولتی ۸- بدست آوردن مال از راه غیرمجاز ۹- سرپیچی‌های ماموران دولتی از دولت؛ جرائم مالیاتی ۱۰- تصرف غیر قانونی در اموال عمومی یا دولتی و یا از بین بردن آنها ۱۱- ایجاد اختلال و هرج و مرج در نظام اقتصادی ۱۲- جرایم موضوع فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران را شرح داده است، این فهرست تهیه شده از جرائم، دقیقاً مشابه جرائم موضوع ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی است با این تمایز که فقط بند آخر فهرست دستورالعمل ایجاد مجتمع تخصصی خاص رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران در ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی نبوده و به گونه‌ای از جمله ابتکارات رئیس قوه قضائیه وقت به شمار می‌رود.

در نهایت در ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی چیزی با عنوانی جرم اقتصادی مطرح نمی‌باشد و مقنن ۱۳۹۲ تنها ذیل ماده ۱۰۹ به واژه‌ی جرم اقتصادی در خصوص جرائم موضوع ماده ۳۶ اشاره نموده است، ولیکن چیزی که در قوانین خاص قید گردیده عبارتست از ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که دارای نسبتی جز به کل در مقایسه با جرائم اقتصادی است. (صبحی، ۱۳۹۷: ۵۹) در قانون

نفوذ مغایر با حق و مقررات قانونی که اصطلاحاً به عنوان جرائم بازدارنده قلمداد می‌شوند، اماره مجرمیت اولویت دارد. زیرا فلسفه آن عبارتست از جلوگیری، کنترل و یا اکتشاف سایر بزهکاری‌های مهم، اما در رابطه با جرائم سنتی نظیر اختلاس یا ارتشاء مقدم انگاشتن اماره مجرمیت امکان‌پذیر نمی‌باشد. در پولشویی، چگونگی کسب دلیل متمایز با اصول و قواعد حاکم بر آن می‌باشد. در حقیقت مقابله با پولشویی مقابله با عمده جرایم اقتصادی تحت عنوان جرایم منشا می‌باشد. از این رو این فرد متهم بوده که بایستی بیگناهی خویش را ثابت نماید.» (المیر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۲) البته شایان ذکر می‌باشد که این رویه در قوانین موضوعه و مقررات صادر شده از طرف روسای قوه قضائیه تایید نشده است.

۶- ضرورت اعلام بزهکاری‌های اقتصادی: به موجب قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد، مجموعه‌ای از بزهکاری‌های اقتصادی شبیه به متن ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی عنوان شده است که همه‌ی مسئولان مشمول قانون، چنانچه شاهد وقوع چنین جرائمی باشند موظف به اطلاع‌دهی به مقامات قضائی هستند و ترک این عمل سزاوار اعمال مجازات خواهد بود.

اینک بعد از آشکار گردیدن دادرسی افتراقی جلوه‌های ویژه بزهکاری‌های اقتصادی، ایجاد مجتمع‌های ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی از جمله شیوه‌هایی می‌باشد که توسط روسای قوه قضائیه به منظور مبارزه با بزهکاری‌های اقتصادی پیش‌بینی شده است.

مجتمع‌های مذکور که شامل تعدادی دادسرا و دادگاه هستند بر اساس رعایت اصولی از قبیل اصل رسیدگی تخصصی و اصل سرعت در انجام رسیدگی

اکتشاف جرم است. همانطور که عنوان شد این شیوه دارای مزایا و معایبی است. قانون آئین دادرسی کیفری از این شیوه نه فقط در خصوص جرائم اقتصادی بلکه در مورد همه‌ی جرائم غیر قابل گذشت استقبال به عمل آورده است. این در حالی می‌باشد که در نص قوانین به منظور ترغیب و تشویق همه‌ی مردم نسبت به اعلام این چنین جرائمی هیچگونه تصریحی بر ضرورت بکارگیری این شیوه نگردیده ولیکن در مقررات صادر شده از جانب روسای قوه قضائیه تا سال ۹۸ هیچ مکانیسمی به منظور مورد حمایت قرار دادن حقوق اعلام‌کنندگان یا نظارت‌کنندگان موجود نبوده است که در سال ۹۸ از طریق تصویب شیوه‌نامه تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به بزهکاری‌های اقتصادی تهران مکانیسم تشویق و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت‌کنندگان پیش‌بینی گردید. (رضاخواه منجیلی، ۱۳۹۷: ۴۳)

۳- عدم تعلق گذر زمان: به موجب ماده ۱۰۹ از قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرائم اقتصادی، به دلیل اهمیت و آسیب و لطمه‌ی زیادی که بر چارچوب جامعه وارد می‌آید، گذر زمان به چنین جرائم تعلق نخواهد گرفت و پیگرد و محاکمه بزهکاران اقتصادی هیچ وقت متوقف نخواهد شد.

۴- محدودیت دسترسی به وکیل: که بر اساس تبصره‌ی ماده ۴۸ از قانون آئین دادرسی کیفری چنانچه جرائم اقتصادی به شکل سازمان‌یافته یا جزء ماده ۳۰۲ از همین قانون واقع شود وکیل مدافع به مدت یک هفته از حق دسترسی به شخص متهم محروم بوده، که البته بر این قانون هم از یکسری ابعاد انتقاد وارد است که صحبت در این باره از حوصله‌ی این پژوهش بیرون می‌باشد.

۵- اولویت اماره مجرمیت: «در خصوص بزهکاری‌های جدید اقتصادی همچون پولشویی و یا اعمال

در صدد محقق ساختن دیدگاه تشدید عملکرد قضائی بوده است.

فلسفه‌ای که در شیوه‌نامه مزبور آمده است، شامل جلوگیری از بروز مفاسد و بزهکاری‌های اقتصادی، تدوین سیاست کیفری مناسب و بازدارنده، تهیه پیوسته‌های اطلاع‌رسانی متناسب، مورد حمایت قرار دادن سرمایه‌گذاری ایمن، سرعت در تعقیب و پیگیری، مقابله قاطعانه با مجاری فساد، تحقیق، رسیدگی است. مسئله شایان توجه در رابطه با شیوه‌نامه مذکور آنست که اهداف مندرج در این شیوه‌نامه با اندک تفاوتی شبیه به اهداف مندرج در شیوه‌نامه تشکیل مجتمع قضائی امور اقتصادی دوران مرحوم شاهرودی است. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵)

۶. نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی مسبب از بین رفتن اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی می‌شود فلذا قوه قضائیه به دنبال مبارزه حداکثری با فساد اقتصادی می‌باشند. روسای قوه قضائیه ابتدا رویکرد سرکوبگر را در پیش گرفتند که در رابطه با عدم تعلق عفو، عدم تخفیف مجازات، عدم مرخصی مجرمین، انتشار حکم قطعی و دیگر موضوعات بود، این رویکرد بازخورد مناسبی نداشت زیرا با حقوق مجرمین در تضاد بود. بخش‌نامه‌های دیگر دادرسی افتراقی بود که در اثنای دادرسی افتراقی نیز شاهد عدم دادرسی عادلانه و منصفانه بودیم. در آئین‌نامه دیگر روسای قوه قضائیه در صدد تسهیل رسیدگی بودند که دستور تشکیل محاکم ویژه اقتصادی را صادر نمودند و از رهبر درخواست استیجازه نمودند. در سالهای اخیر بخش‌نامه‌های صادر شده در مسیر مبارزه با جرایم اقتصادی از تناسب بیشتری برای پاسخ‌دهی به جرایم اقتصادی برخوردار شدند و متوجه می‌شویم که هدف روسای قوه قضائیه اصلاح و بازپروری می‌باشد ولی در کنار این اصلاح و

بازپروری، رویکرد عبرت‌آمیز نیز به چشم می‌خورد. رهبر در این مبارزه خواستار فرمان ۸ ماده‌ای به سران سه قوه شد که همچنان پس از ۲۰ سال ضرورت خود را از دست نداده است. در شرایط تحریم، فساد اقتصادی نیازمند دوره تحول بود که در سالهای ۱۳۹۷ صورت پذیرفت.

در پاسخ به سوالات مطرح شده باید گفت که بررسی‌ها حاکی از این است که آیین‌نامه‌های صادر شده توسط روسای قوه قضائیه می‌توانند با هدف تحصیل اجرای قانون صادر شوند و از نظر قانونی دارای اعتبار می‌باشند، اما ملزم به این هستند که مغایر با قوانین عادی نباشند و با توجه به حکم ضمنی تبصره ماده ۱۲ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که صدور بخش‌نامه‌ها از ناحیه رئیس قوه قضائیه را مورد اشاره قرار داده است، صرفنظر از تعارض یا عدم تعارض، این تبصره با اصول ۱۳۷ و ۱۷۰ قانون اساسی در حال حاضر قوه قضائیه صلاحیت ضمنی برای صدور بخش‌نامه را از قانون کسب نموده است. در پاسخ به سوال مطرح شده دیگر می‌توان نتیجه گرفت که آیین‌نامه‌های صادر شده توسط رئیس قوه قضائیه سودمند و نتیجه بخش بوده است، زیرا در تاسیس محاکم ویژه اقتصادی تسریع در امور را شاهد می‌باشیم و باید گفت دادرسی افتراقی نیز از نکات مثبت تصمیمات قوه قضائیه می‌باشد.

با توجه به انجام پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که در جهت مبارزه با فساد، سلامت ضابطین قضایی و مسئولان حوزه نظارت و قضاوت رصد گردد. در مبارزه با فساد برخورد بدون تبعیض صورت گیرد. با مفاسد خرد و جزئی نیز برخورد شود زیرا فساد اندک نیز می‌تواند منجر به فساد کلان گردد، لزوم شفافیت در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی موضوع بسیار مهمی است. بخش‌نامه‌هایی توسط

قوه قضائیه صادر شود در جهت فساد رانتی ارزی که در سال ۱۴۰۰ با بیشترین میزان پرونده مواجه بوده است و در نهایت اینکه در استانها نیز شعب تخصصی مبارزه با پولشویی ایجاد گردد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



منابع

- کارشناسی ارشد دانشگاه علامه محدث نوری، ۱۳۹۷.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، النهایه، نشر دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ ق.
- صبحی، محمود، بررس جایگاه و نقش رئیس قوه قضائیه در سیاست جنایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، پردیس خودگردان، ۱۳۹۷.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، سمت، چاپ بیست و پنجم، ۱۴۰۱
- کلانتری خلیل آباد، عباس، احتیاط در دماء و کاربرد آن در حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۵۱، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر، حکومت قانون و جامعه مدنی، کانون؛ ماهنامه حقوق کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۷۵، ۱۳۸۶.
- مالمیر، محمود، سلطانی فرد، حسین، عالی پور، حسن، آئین دادرسی جرائم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، مجله مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره ۳، ۱۳۹۷.
- مولوی، علی، نقش رسانه‌ها در دادرسی جرائم اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۸.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن، جواهر الکلام، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴.
- نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشر انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹.
- احمدی، نعمت، جاذبه و دافعه آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، نشریه حافظ، شماره ۱۵، ۱۳۸۴.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و نهم، جلد اول، ۱۳۹۲.
- باقری نژاد، زینب، اصول آئین دادرسی کیفری، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ثناپور، علی، تحلیل سیاست جنایی قانون‌گذار ایران در کنترل جرایم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده فنی مهندسی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ۱۳۹۸.
- جعفری، امین، حقوق کیفری کسب و کار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد دوم، ۱۳۷۵.
- خانی، علی، کاستی‌های سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال مفاسد اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۲.
- راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، انتشارات دراک، ۱۳۸۸.
- رضاخواه منجیلی، مریم، نقش قضایی ریاست قوه قضائیه و تطور آن در نظام کیفری ایران، پایان‌نامه

- هدایت‌نیا، فرج‌الله، رواق اندیشه، جایگاه دیوان
عدالت در رسیدگی به شکایات مردم، مرکز
پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۱.

سایت‌ها:

www.qombar.ir اکتبر ۲۰۱۹





پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني